



ابعاد قلمروسازی ژئوپلیتیکی رژیم صهیونیستی در خلیج فارس بر امنیت ملی

جمهوری اسلامی ایران

شهریار دلیلی^۱، رشید دانش^۲، شاپور ابولفضل چزانی^۳

چکیده

قلمروسازی ژئوپلیتیکی رژیم صهیونیستی در خلیج فارس از طریق توسعه مناسبات با اعراب به‌منظور مهار ایران، غلبه بر مشکلات داخلی، استفاده از شکاف‌های موجود میان کشورهای اسلامی، افزایش فشار بر گروه‌های فلسطینی به‌ویژه حماس، تسریع فرایند صلح با کشورهای عربی منطقه به‌منظور جلب رضایت آمریکا، جلوگیری از هژمون شدن ایران در منطقه، افزایش مراودات اقتصادی، فائق آمدن بر مشکلات داخلی و بین‌المللی، ایجاد توازن قوا با سایر قدرت‌های منطقه و شکل دادن به تهدیدهای نوین منطقه‌ای بر علیه ایران، می‌باشد که درنهایت باعث شکل‌گیری الگوهای روابط دوستی-اعراب و رژیم صهیونیستی و دشمنی ایران-اعراب، در منطقه خواهد شد.

این مقاله باهدف «تبیین ابعاد قلمروسازی ژئوپلیتیکی رژیم صهیونیستی در خلیج فارس بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران» انجام شده است که در آن از روش توصیفی با رویکرد کیفی استفاده شده است. به همین منظور جهت دسترسی به هدف اصلی تحقیق، بامطالعه منابع تحقیق‌های گذشته، کتب، اسناد و مدارک موجود، مورد تجزیه و تحلیل کیفی قرار گرفته و درنهایت به این نتیجه دست‌یافته‌ایم که ابعاد قلمروسازی ژئوپلیتیکی رژیم صهیونیستی در خلیج فارس بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در ۳ بعد اقتصادی (در حوزه تجارت خارجی و شبکه حمل‌ونقل)، بعد سیاسی (در حوزه سیاست داخلی و سیاست بین‌المللی) و بعد نظامی (در حوزه اهداف و سیاست‌های دفاعی - امنیتی و قدرت نظامی - صنایع و تأسیسات) است.

واژگان کلیدی: ژئوپلیتیک، قلمروسازی، قلمرو ژئوپلیتیکی، امنیت ملی.

استناد: دلیلی، شهریار؛ دانش، رشید؛ چزانی، شاپور ابولفضل؛ (۱۴۰۵). ابعاد قلمروسازی ژئوپلیتیکی رژیم صهیونیستی در خلیج فارس بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران. *فصلنامه پژوهش‌های راهبردی/ارتش* ۵ (۱۶): ۲۷-۴۶.

۱. دانشجوی دکتری علوم راهبردی دفاعی دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول).

Email: dalilishahriar@gmail.com

۲. دانش آموخته دکتری و استاد دانشگاه امام علی(ع) تهران، ایران.

۳. دانشجوی دکتری علوم راهبردی دفاعی دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران.

مقدمه

در عصر کنونی قلمرو ژئوپلیتیکی یک منطقه، به فضای جغرافیایی و سازه انسانی یا جمعیت مربوطه که در حوزه نفوذ و تأثیرگذاری یک یا چند متغیر سیاسی، دینی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، نظامی، امنیتی، تجاری، فناوری و رسانه‌ای کشور یا بازیگر سیاسی قدرتمند قرار می‌گیرد، گفته می‌شود. منطقه غرب آسیا به دلیل ویژگی‌های ژئوپلیتیکی و اهمیت راهبردی آن در تأمین انرژی جهان همواره یکی از کانون‌های مناقشه و نزاع در تاریخ معاصر جهان بوده است و این مسئله با تأسیس غیرقانونی رژیم صهیونیستی توسط قدرت‌های غربی و ایجاد فضای حیاتی برای آن در درون سرزمین مشروع فلسطین عمقی شدید به خود گرفت. کشورهای عربی به رهبری مصر در ابتدای این تأسیس غیرقانونی، جانب فلسطین را گرفتند و در مسیر حمایت خود از اقداماتی همچون جنگ، حمایت‌های ایدئولوژیکی، مالی و لجستیکی از آرمان فلسطین دریغ نکردند. اما باگذشت زمان تغییراتی در روابط اعراب و رژیم صهیونیستی ایجاد شد و تحولات سال‌های اخیر در نظام بین‌الملل و به‌ویژه در سطح منطقه خلیج فارس، موجب تشدید آنا‌رشی در ژئوپلیتیک غرب آسیا شد به‌طوری‌که برخی از کنشگران اصلی را به سمت ائتلاف‌سازی در برابر تهدیدات مشترک سوق داده است در همین راستا، یکی از عوامل شکل‌گیری فهم مشترک از تهدیدات امنیتی و پیامدهای آن، سوءبرداشت برخی از کشورهای عرب حوزه خلیج فارس از جمله عربستان، بحرین و امارات از قدرت و آرمان‌ها و اهداف جمهوری اسلامی ایران و تحریکات استکبار جهانی، به همراه دگرگونی‌های محیط منطقه‌ای و بین‌المللی، یک ذهنیت مشترک در مورد نگرانی‌های امنیتی از سوی جمهوری اسلامی ایران میان رژیم صهیونیستی و کشورهای حوزه خلیج فارس به وجود آورد. این سوءبرداشت ابتدا با توافقات پشت پرده و همکاری‌های نامرئی چندجانبه در حوزه خلیج فارس و در سال‌های اخیر باعث شکل‌گیری الگوهای روابط دوستی - اعراب و رژیم صهیونیستی و دشمنی ایران - اعراب، در منطقه شد پیامد آن، به‌وجودآمدن ناامنی و افزایش مناقشات و تنش‌های اقتصادی در حوزه حمل‌ونقل و تجارت خارجی و ایجاد تنش سیاسی در سیاست خارجی و در سیاست داخلی ایران و تهدیدات نظامی تأثیرگذار در اهداف و سیاست‌های دفاعی امنیتی و قدرت نظامی و صنایع و تأسیسات نظامی شده است. به همین منظور برای پیشگیری موارد تهدیدکننده امنیت ملی نیازمند واکاوی ابعاد مختلف قلمروسازی این رژیم در این منطقه هستیم تا بتوانیم در

رویارویی با چالش‌های مختلف تهدید امنیت ملی خود، دست برتر را در شرایط مختلف رزم داشته باشیم. (حافظ‌نیا ۱۳۹۶: ۷)

پیشینه

علی علیرضایی (۱۴۰۳) در مقاله خود با عنوان «تأثیر پیمان ابراهیم بر منازعه و صلح در خاورمیانه» اینطور نقل شده است که این پیمان با تأکید بر تعهد مشترک مبنی بر عادی‌سازی روابط و ارتقای سطح ثبات از طریق تعامل دیپلماتیک و همکاری اقتصادی فزاینده، همکاری‌های هماهنگ و نزدیک، مصمم به تضمین صلح پایدار، ثبات، امنیت، شکوفایی و توسعه اقتصادهای پویا و خلاق بوده و این معاهده صلح و روابط دیپلماتیک و عادی‌سازی کامل با اشتیاق به درک چشم اندازی از خاورمیانه بوده که باثبات، شکوفا و صلح آمیز است. در اینجا این سؤال مطرح می‌شود که آیا این پیمان منجر به تنش و منازعه بیشتر یا حرکت به سمت تنش زدایی و صلح بیشتر در منطقه خاورمیانه می‌شود. فرضیه پژوهش حاضر این است که پیمان صلح ابراهیم بر خلاف اهداف و ماهیتش، منجر به تنش و درگیری بیشتر در منطقه خاورمیانه (خلیج فارس) خواهد شد چراکه تهدید اصلی و مشترک اعضای این پیمان یعنی ایران در این منطقه حضور دارد. در پژوهش پیش رو با روشی توصیفی-تحلیلی سعی بر ارائه مفهومی جامع از پیمان ابراهیم، منطقه خلیج فارس و تأثیر این ائتلاف بر منازعه و صلح در منطقه بوده است. یافته‌ها تحقیق نشان می‌دهد که پیمان اعراب حاشیه خلیج فارس با اسرائیل در قالب پیمان ابراهیم علیرغم مکتوبات آن، در عرصه عمل منجر به افزایش تنش و درگیری در منطقه خواهد شد.

جونز و گوزانسکی^۱ (۲۰۱۷). در مقاله خود با عنوان «شکل‌گیری نوعی رژیم امنیتی ضمنی بین اسرائیل و برخی کشورهای عرب خلیج فارس»، اشاره می‌کند که بین اسرائیل و برخی کشورهای عرب خلیج فارس، نوعی رژیم امنیتی ضمنی در حال شکل‌گرفتن است. این رژیم برخلاف نهادهای رسمی و لیبرال که بر ترویج هنجارهای جمعی تأکید دارند، بیشتر بر تحول درک مشترک از تهدیدها و تحقق منافع راهبردی بنا شده است. نویسندگان توسعه، دامنه و مقیاس این رژیم نوظهور را بررسی می‌کنند و این پرسش را مطرح می‌کنند که در شرایطی که

^۱ Jones, C. A., & Guzansky, Y

ایالات متحده ممکن است از منطقه عقب‌نشینی کند، اسرائیل تا چه حد این رژیم را به عنوان بازتعریفی از مناسبات سیاسی و راهبردی با بخش اعظم خاورمیانه می‌بیند.

سید محمد شفيعی (۱۴۰۳) در مقاله خود با عنوان «تبیین رویکرد نظامی اسرائیل پس از عملیات ۷ اکتبر در مواحه با ایران برپایه نظریه رئالیسم تهاجمی» بیان نموده است که اجرای عملیات طوفان الاقصی در ۷ اکتبر ۲۰۲۳ توسط حماس، سبب ایجاد تغییراتی در معادلات منطقه‌ای و جهانی گشت. مهم‌ترین تغییرات در سطح منطقه‌ای، رخ داد، در زمانی که اسرائیل خود را آماده اعلام رسمی عادی‌سازی روابط با عربستان در ۸ اکتبر ۲۰۲۳ کرده بود اما عملیات ۷ اکتبر و در ادامه روند فرسایشی جنگ که یکسال به طول انجامیده سبب بهره بردن ایران از این اتفاق و تضمین برخی منافع منطقه‌ای گشته است. پژوهش حاضر بر آن است تا به این سؤال اصلی که رویکرد نظامی اسرائیل پس از عملیات ۷ اکتبر برای گسترده کردن جنگ، ورود ایران به جنگ و فرسایش آن و در نهایت ورود مستقیم آمریکا به میدان نبرد در غزه بر پایه نظریه رئالیسم تهاجمی به چه صورت بوده است؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که علی‌رغم ترور کادر فرماندهی حزب الله لبنان و شهادت سید حسن نصرالله، اسماعیل هنیه، هاشم صفی الدین و مستشاران و فرماندهان نظامی و دانشمندان برجسته و... ایران با استفاده مادهای منشور حقوق بین‌الملل اقدام به پاسخ گویی به اسرائیل کرده و از سمت دیگر با حملات خود هزینه دفاعی سنگین‌تری را به اسرائیل وارد کرده است.

علیرضا گنجیان مقدم، ا (۱۴۰۳) در مقاله خود با عنوان «تقابل سیاست خارجی ایران و آمریکا درقبال رژیم صهیونیستی در غرب آسیا (تاکید بر عملیات ۷ اکتبر و وعده صادق)» عنوان نموده است، ایالات متحده آمریکا متحد راهبردی و از حامیان منحصربه فرد منطقه‌ای و فرامنطقه ای رژیم صهیونیستی و جمهوری اسلامی ایران به عنوان مهم‌ترین قدرت منطقه‌ای نسبت به مسئله فلسطین و اسرائیل، در حلقه محوری مبارزه قرار گرفته است. با توجه به این واقعیت، در پژوهش حاضر، در پی پاسخ به این سؤال اساسی است که نمود اصلی تقابل سیاست خارجی ایران-آمریکا در مسئله رژیم صهیونیستی در غرب آسیا با تمرکز بر عملیات وعده صادق و طوفان الاقصی در عرصه‌های نظامی-امنیتی و سیاسی-اقتصادی چیست؟ یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد، ایران با اتخاذ صبر راهبردی، داغ نمودن فضای **مضروف** منافع منطقه‌ای توسط متحدان راهبردی منطقه‌ای خود یا محور مقاومت به «قورباغه آب پز» و «تهاجم و ترور سمی بیولوژیک‌گونه» علیه رژیم؛ به محدود سازی منافع و سیاست خارجی پانزی آمریکا

پرداخت. در این پژوهش، با کاربست نظریه نوواقع‌گرایی و با بهره‌گیری از نظریه سازه‌انگاری، به شیوه تبیینی-تحلیلی و روش تحقیق کتابخانه‌ای و اینترنتی و با ارائه راهکارها و پیشنهادهای راهبردی موضوع پژوهش مورد تبیین قرار می‌گیرد.

محمد حاجی علی‌اکبری قمی (۱۴۰۲) در پایان نامه خود با عنوان «تأثیر عادی‌سازی روابط رژیم صهیونیستی و بحرین بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران» عنوان نموده است: حمایت آمریکا از اقدامات اخیر رژیم صهیونیستی در منطقه ژئوپلیتیک خلیج فارس در ائتلاف با بازیگران منطقه‌ای و برای ایجاد پیمان قوی غربی-عبری، منجر به امضای تفاهم‌نامه ابراهیم گردیده که باهدف عادی‌سازی روابط با کشورهای منطقه، اجرای پروژه ایران هراسی، امنیت‌زدایی و تعمیق شکاف فرهنگی و قومیتی بین کشورهای منطقه در حال شکل‌گیری است. از دیدگاه امنیتی نیز تبادل اطلاعاتی، امضای پیمان امنیتی بین این دو کشور و نیز احداث پایگاه‌های شنود و جاسوسی رژیم صهیونیستی در خاک بحرین یا سایر کشورهای همسایه منجر به حصر امنیتی ج.ا.ایران، نفوذ رژیم صهیونیستی در منطقه و تأمین امنیت رژیم آل خلیفه در سرکوب معترضان می‌گردد.

- مهدی نجاتی‌پور (۱۴۰۰) در پایان نامه خود با موضوع «تهدیدات رژیم صهیونیستی مؤثر بر امنیت ملی ج.ا.ا» خطرناک‌ترین تهدید سیاسی داخلی رژیم صهیونیستی مؤثر بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران از نوع مشروعیت‌زدایی مواردی از قبیل دامن زدن به اختلافات قومی مذهبی و سیاسی داخل کشور، تولید و نشر اخبار و فیلم‌ها و محصولات متضمن باورهای مخرب برای کیان جمهوری اسلامی ایران، القاء عدم‌تغییر یا کاهش شاخص‌های بهبود زندگی در جمهوری اسلامی ایران، بزرگنمایی عدم تحقق اهداف اعلام‌شده از سوی مسئولین هستند.

- عبدالرضا علی‌شاهی (۱۳۹۹) در مقاله خود با موضوع «تأثیر ائتلاف راهبردی امارات و رژیم صهیونیستی بر امنیت خلیج فارس» عنوان نموده است که نتایج تحقیق بیانگر آن بود که پیامدهای ائتلاف امارات و رژیم صهیونیستی بر امنیت خلیج فارس را می‌توان در چهار بعد کلان مورد مذاقه قرارداد. نخست؛ عادی‌شدن تدریجی روابط سیاسی اعراب غرب آسیا با رژیم صهیونیستی؛ دوم تعمیق بحران ناامنی برای امارات متحده عربی؛ سوم؛ تشدید دامنه ناامنی‌ها برای جمهوری اسلامی ایران و چهارم نفوذ بحران ناامنی به مرزهای تمام کشورهای منطقه

به‌ویژه کشورهای حاشیه خلیج فارس. از مباحث امنیتی و روابط خارجی این تحقیق می‌توان کمک گرفت.

- حیدر لطفی (۱۳۹۹) در مقاله خود با عنوان «بررسی ویژگی‌های ژئوپلیتیکی ایران در راستای امنیت و قدرت ملی با تأکید بر خلیج فارس» بیان نموده است که با توجه به عامل جغرافیایی، اقتصادی و راهبردی مشترک میان همه کشورهای خلیج فارس، منطقی‌ترین نظام برای پاسداری از امنیت منطقه، سامانه‌ای خواهد بود که همه کشورهای کرانه‌ای را در برگیرد، اگر نتوانیم با هوشمندی از فرصت‌های پدیدآمده و تحرکات مفید برخی دولت‌ها به نفع خود استفاده کنیم درنهایت دردمندی و نگرانی باید گفت که ممکن است لطمه‌های جبران‌ناپذیری بر پیکر میهن ما وارد آید برای برکنار ماندن از این لطمات و ترکش‌ها، باید آگاهی‌های خود را به کارگیریم و با شناخت واقعیت‌ها، امکانات و محدودیت‌ها به‌گونه‌ای عمل کنیم که منافع ملی‌مان حکم می‌کند. در مباحث ابعاد داخلی، قدرت نظامی و اهداف دفاعی-امنیتی می‌تواند به این تحقیق کمک کند.

روش‌شناسی

این پژوهش به لحاظ نوع تحقیق، کاربردی و بر اساس روش توصیفی - تحلیلی و پیمایشی است. با توجه به تخصصی بودن موضوع تحقیق و محدودیت افراد خبره و صاحبه نظر تجزیه و تحلیل کیفی؛ در این تحقیق با استفاده از پردازش داده‌ها و احصاء نقاط همگرایی، واگرایی و در نهایت پس از حصول اطلاعات، جهت قضاوت، تصمیم‌گیری و ارائه نتایج و پیشنهادها پیرامون موضوع موردپژوهش انجام شد.

یافته‌ها

پس از امضای توافق‌نامه‌های صلح بین رژیم صهیونیستی و برخی از کشورهای عربی از جمله عربستان، بحرین و امارات در سال ۲۰۲۰، باب گفتگو درباره ائتلاف‌ها یا تفاهات امنیتی باز شد. در تاریخ ۱۳۹۹/۱۲/۱۲ (۲ مارس ۲۰۲۱)، «بنی‌گانتز» وزیر جنگ رژیم صهیونیستی بر تلاش تل‌آویو برای ایجاد «یک توافق امنیتی ویژه» با متحدان جدید این رژیم در خلیج فارس که نگرانی‌های امنیتی مشابهی در مورد ایران دارند، اشاره کرد. آنچه به این اظهارات اهمیت بیشتری بخشید این بود که این سخنان در اوج مذاکرات گسترده رژیم صهیونیستی در منطقه و از سوی دیگر با توجه به تشدید تنش‌های امنیتی میان رژیم صهیونیستی و ج.ا.ایران مطرح

شد. با توجه به اقدامات اخیر رژیم صهیونیستی، برخی از تحلیل‌ها نشان می‌دهد که این رژیم در حال ایجاد یک ائتلاف نظامی در منطقه با برخی از کشورهای عربی در چارچوب سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو)، به‌ویژه با امارات متحده عربی و بحرین است. و این موضوع می‌تواند در درازمدت حوزه‌های مختلف مثل حوزه اقتصادی، حوزه سیاسی و حوزه نظامی بر امنیت ملی ایران به‌ویژه امنیت نظامی تاثیرگذار باشد (موسوی ۱۴۰۰: ۶۸)

-قلمرو ساز در حوزه اقتصادی

به‌طور کلی از بدو تأسیس رژیم صهیونیستی، این رژیم کوشیده است از مجرای روابط اقتصادی و تجارت، روابط سیاسی و دیپلماتیک خود را توسعه داده و به‌تدریج عمق راهبردی خود را در مناطق مختلف افزایش دهد و بقای رژیم‌های خود را تضمین و زمینه‌های تضعیف قدرت ژئوپلیتیکی ایران را در حوزه‌های مختلف به‌ویژه حوزه اقتصادی در دو حوزه تجارت خارجی و شبکه حمل‌ونقل در منطقه فراهم کنند. (جودت ۱۳۹۹: ۸۵)

حوزه تجارت خارجی:

اصلی‌ترین دلیل ترغیب کشورهای عربی از سوی رژیم صهیونیستی جهت اتحاد علیه ایران موقعیت جغرافیایی منطقه راهبردی و حساس خلیج فارس است که حجم بالای انرژی‌های نفت و گاز موجود در منطقه و جمعیت کمتر کشورهای عربی خلیج فارس نسبت به ایران است که با استفاده دیپلماسی اقتصادی از طریق زیرساخت‌های امنیتی و تجاری، موجود ابتدا به دنبال بهبود روابط تجاری و درنهایت به دنبال دستیابی به صلح سیاسی است. نمونه بارز این قلمروسازی در منطقه، قراردادهای اقتصادی است که بین رژیم صهیونیستی و امارات متحده عربی منعقدشده است و با ورود بازار امارات عربی متحده به‌عنوان دروازه ورود فناوری، رژیم صهیونیستی به بسیاری از بازارهای عربی و بازارهای جهانی، به‌ویژه در آسیا و آفریقا توجه ویژه دارد. از سوی دیگر امارات نیز از این همکاری دوطرفه، انتظار جهشی عظیم در اقتصاد و صنایع فناورانه خود در جهت دستیابی به جایگاه‌های عالی جهانی خواهد داشت. با بررسی پروژه‌ها و سرمایه‌گذاری‌های رژیم صهیونیستی به‌راحتی می‌توان متوجه شد که کلید اقتصاد رژیم صهیونیستی، در بخش کشاورزی است که به‌منظور بهره‌مندشدن از روش‌های نوین کشاورزی رژیم صهیونیستی دارد. همچنین با توجه به برخورداری شرکت‌های پیشرفته در جهان در زمینه تصفیه و شیرین کردن آب است که هر دو طرف می‌توانند در این زمینه تبادل تجارب

داشته باشند و در همه این زمینه‌ها، فرصت‌هایی برای دو طرف وجود دارد. همچنین وجود رژیم صهیونیستی در خلیج فارس و نزدیکی آن به ایران، باعث افزایش ریسک‌های امنیتی می‌شود. این امر باعث کاهش اعتماد سرمایه‌گذاران و همکاران تجاری درباره امنیت و پایداری در منطقه و باعث محدودیت یا مشکل در حمل‌ونقل کالاها، تسهیلات بانکی، بیمه و امور مربوط به تجارت و درنهایت باعث کاهش حجم تجارت خارجه ایران شود و در نتیجه تأثیر منفی بر تجارت خارجه ایران داشته باشد. همچنین با ارائه فناوری‌های روز نیازمندی کشورهای منطقه به ظرفیت‌های ج.ا.ایران را کاهش می‌دهد و در درازمدت به ضرر ایران در حوزه تجارت خارجی و درنهایت مشکلات اقتصادی در این منطقه برای ایران ایجاد نماید. (جودت ۱۳۹۹: ۱۲۰)

شبکه حمل‌ونقل:

ورود رژیم صهیونیستی به بازارهای خلیج فارس می‌تواند رقابتی برای صنایع حمل‌ونقل ایران ایجاد و همچنین تحریم‌ها و محدودیت‌های بین‌المللی علیه ایران را تشدید و منجر به افزایش فشارها بر شبکه حمل‌ونقل ایران و همچنین باعث تغییر الگوهای تجاری در منطقه و ایجاد تغییر در مسیرها و روابط تجاری بین کشورها شود. این تغییرات ممکن است تأثیری بر شبکه حمل‌ونقل ایران و تراز تجاری آن داشته باشد. بررسی پتانسیل ترانزیت انرژی خلیج فارس به مناطق مصرف نشان می‌دهد که در شبه‌قاره هند همکاری در حوزه انرژی می‌تواند منافع متقابلی را در زمینه‌های دیگر از جمله گسترش کریدور جنوب به شمال توسعه چابهار و حمل‌ونقل بین دو کشور ایجاد کند و همچنین از طریق پتانسیل خط لوله صلح و امکان اتصال آن به چین و همچنین توانایی اتصال دو میدان مهم انرژی در خلیج فارس و آسیای مرکزی و مشارکت در تقویت انتقال انرژی آسیای مرکزی به امنیت انرژی کشور کمک خواهد کرد که با قلمروسازی ژئوپلیتیکی رژیم صهیونیستی در خلیج فارس و عادی‌سازی کشورهای حوزه خلیج فارس این فرصت طلایی را در درازمدت از ایران بگیرد و می‌تواند در حوزه شبکه حمل‌ونقل در انتقال انرژی از لحاظ اقتصادی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران تأثیر به سزایی داشته باشد. از دیگر اقدامات رژیم صهیونیستی در خلیج فارس ایجاد یک پل ارتباط زمینی بین کشورهای عربی و اروپا است که به معنای به حاشیه رفتن کانال سوئز به‌عنوان مزیت حیاتی برای نفوذ مصر و اقتصاد آن است. رژیم صهیونیستی برای کاهش هزینه‌های خود و خطرات ناشی از دزدی دریایی، برنامه‌های آینده خود را برای گسترش خطوط انتقال نفت

بین بندر «ایلات» و «اشکلون» از یک سو و کشورهای حاشیه خلیج فارس پنهان نمی‌کند. یکی دیگر از دلایلی که باعث تلاش و انگیزه مضاعف مجموعه بین‌المللی جهت دستیابی و کنترل بندرهای در سطح منطقه‌ای و جهانی می‌شود که رژیم صهیونیستی و آمریکا به جای استفاده از منابع خود در شاخ آفریقا، از فعالیت‌هایی که امارات عربی متحده انجام می‌دهد، استفاده می‌کنند. همچنین افزایش همکاری در این زمینه بین امارات و رژیم صهیونیستی باعث تقویت صنعت گردشگری و تجارت بین آن‌ها خواهد شد. تمامی موارد مطرح‌شده در خصوص ارتباط امارات و رژیم صهیونیستی می‌تواند در خصوص سایر کشورهای عربی حوزه خلیج فارس در آینده متصور باشد که می‌تواند موجب تأثیرات شگرفی در اقتصاد ایران در حوزه تجارت و شبکه حمل‌ونقل مخصوصاً حمل‌ونقل دریایی داشته باشد (جودت ۱۳۹۹: ۱۲۹).

قلمرو ساز در حوزه سیاسی:

عادی‌سازی روابط برخی از کشورهای عربی با رژیم صهیونیستی حاکی از آینده‌ای مبهم و تاریک از امنیت در این منطقه حساس و راهبردی است که باعث تأثیر بسیاری در روابط سیاسی کشورهای منطقه از جمله ایران دارد که این تأثیر بر کشور ایران در دو حوزه سیاست داخلی و سیاست خارجی به شرح زیر می‌باشد:

سیاست داخلی

قلمروسازی ژئوپلیتیکی رژیم صهیونیستی در خلیج فارس می‌تواند باعث تقویت یا ضعیف‌شدن جریان‌ها و احزاب سیاسی ایران شود برخی از این جریان‌ها و احزاب ممکن است بر تأیید یا مخالفت با سیاست‌های دولت در قبال رژیم صهیونیستی تأکید کنند و باعث تغییر در نگرش و همچنین تأکید بر تقویت یا ضعیف‌شدن روابط با رژیم صهیونیستی شود و این تغییرات موجب تغییر در رویکرد دولت و مردم نسبت به روابط با رژیم صهیونیستی گردند و در نهایت موجب تغییر در تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌های دولت شوند که به برخی از تأثیرگذاری‌ها در سیاست داخلی ایران اشاره می‌کنیم. (باویر ۱۴۰۱: ۵۱)

۱) ایجاد فرصتی برای گفتگو و مذاکره بین رژیم صهیونیستی و کشورهای عربی و ایجاد فضایی مناسب جهت تعامل و همکاری در حوزه‌های مشترک، بر امنیت دریایی، حفظ ثبات و صلح منطقه‌ای، توسعه اقتصادی و تجاری و در نهایت تغییر سیاست داخلی ایران می‌شود.

- (۲) تهدیدات نظامی رژیم صهیونیستی هم می‌تواند عامل مهمی در تهدید امنیت ملی ایران قلمداد شود که عامل تعیین‌کننده در رفتار سیاست داخلی ایران می‌باشد.
- (۳) می‌تواند به صورت مستقیم بر برخی عوامل و مسائل سیاسی و اجتماعی در داخل ایران تأثیر بگذارد و باعث ایجاد نگرانی‌ها و واکنش‌های سیاسی و مردمی در ایران شود.
- (۴) همچنین می‌تواند تأثیری بر اقتصاد و رفاه اجتماعی داشته باشد. و در نتیجه تأثیری بر زندگی روزمره مردم و نگرش آن‌ها به سیاست داخلی داشته باشد.

سیاست خارجی

منازعه بین ج.ا.ایران و رژیم صهیونیستی با پیروزی انقلاب اسلامی به شکل هویتی و تاریخی است و از طرفی در سال‌های اخیر ایالات متحده آمریکا تمایل خود را برای جداسدن از خلیج فارس نشان داده است ممکن است بخواهد رژیم صهیونیستی نقش نماینده آن کشور در خلیج فارس باشد تا جایی که رژیم صهیونیستی روابط نظامی قوی‌تری با کشورهای حاشیه خلیج فارس ایجاد کند و با انعقاد توافق‌نامه ابراهیم دو دشمن ژئوپلیتیکی و ایدئولوژیک ایران - رژیم صهیونیستی و امارات و عربستان سعودی را در خارج از صحنه در یک صف‌بندی مهندسی شده برای محاصره بیشتر ایران و محدود کردن آرمان‌های منطقه‌ای آن اتخاذ نماید در گام اول، عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی است و در گام بعد، ایجاد یک ائتلاف نظامی متشکل از این دو یعنی امارات، بحرین، عربستان و اگر بتوانند کشورهای عربی کوچکی به این محور اضافه می‌کنند و در ائتلاف با این رژیم قرار می‌دهند و در درازمدت ایران را منزوی نموده و تا به اهداف اصلی خودش یعنی به مخاطره انداختن امنیت ملی ایران دست پیدا کند و ابعاد این قلمروسازی بر سیاست خارجی به شرح موارد زیر است: (باویر ۱۴۰۱: ۵۶)

(۱) مهار جمهوری اسلامی ایران: یکی از مهم‌ترین چالش‌های بازیگران عربی و رژیم صهیونیستی مشارکت‌کننده در ائتلاف در حال شکل‌گیری در منطقه، مهار ج.ا.ایران در نظم منطقه‌ای است.

- (۲) صدور مستمر و بی‌ضرر انرژی از شاهراه خلیج فارس بخش دیگری از دستور کار ائتلاف
- (۳) تأثیر بر روابط ایران با سایر کشورها و سازمان‌های بین‌المللی و در نهایت تغییر در نقش و موقعیت ایران در منطقه و تشدید تنش‌ها در منطقه باشند و باعث کاهش نفوذ و تأثیر ایران در منطقه باشد

۴) می‌تواند به‌عنوان یک عامل تحریک‌کننده برای ایران عمل کند و برای مقابله با این تحریکات، ایران ممکن است تلاش کند تا توانمندی‌های نظامی و امنیتی خود را در منطقه تقویت کند.

۵) برقراری روابط نزدیک رژیم صهیونیستی با کشورهای خلیج فارس، توزیع قدرت در منطقه ممکن است تغییر کند و تعادلی بین ایران و رژیم صهیونیستی وجود داشته باشد و درنهایت تغییر در سیاست بین‌المللی ایران خواهد شد (نسیمی ۱۴۰۴: ۲۲)

قلمروسازی در حوزه نظامی:

قلمروسازی ژئوپلیتیکی رژیم صهیونیستی در خلیج فارس بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در دو حوزه سیاست‌های دفاعی - امنیتی و قدرت نظامی - صنایع و تأسیسات نظامی است.

قدرت نظامی - صنایع و تأسیسات نظامی

رژیم صهیونیستی می‌تواند از طریق آموزش ترکیبی تمرین‌ها، برنامه‌ریزی اضطراری و انتقال تسلیحات و فناوری ایجاد قابلیت دفاع جمعی یکپارچه‌تر و مؤثرتر در میان کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس، باعث برقراری روابط نظامی قوی‌تری با کشورهای حاشیه خلیج فارس خواهد شد همچنین می‌تواند انجام عملیات نظامی و اطلاعاتی علیه تأسیسات هسته‌ای، موشکی و نفتی ایران از این حضور با ایجاد ناامنی و ناپایداری در خلیج فارس برای انجام حملات پیشگیرانه و پاسخ‌گویی به حملات احتمالی ایران بهره بگیرد همچنین با توجه به دکترین امنیتی آن مبتنی بر جلوگیری از به‌دست‌آوردن این قدرت توسط رقبای خود در منطقه و در نتیجه ایجاد توازن قدرت جدید است که ممکن است منجر به تغییر شکل ائتلاف‌های منطقه‌ای شود و درنهایت حضور رژیم صهیونیستی در منطقه خلیج فارس تهدیدهای زیر را به دنبال خواهد داشت. (نسیمی ۱۴۰۴: ۲۷)

۱) از طریق جاسوسی و جمع‌آوری اطلاعات، به صنایع نظامی و تجهیزات نظامی ایران آسیب وارد کند و از پیشرفت‌های علمی و فناوری ایران در این حوزه آگاه شود.

۲) سامانه‌های نظارتی و سنجش‌ازدور شامل حس‌گرها، دوربین‌ها، رادارها و سایر تجهیزات است که به کشورها امکان می‌دهند تا فعالیت‌های نظامی را در منطقه مراقبت کنند.

۳) اقدام نظامی علیه پروژه هسته‌ای ایران را چه با خرید هواپیماهای سوخت‌رسان یا کشتی‌های جنگی جدید تقویت نموده و در مقابله با پروژه هسته‌ای ایران.

- ۴) ایجاد فضایی ملتهب در خلیج فارس، زمینه را برای تشکیل یک ائتلاف با مشارکت کشورهای عربی حوزه خلیج فارس و کشورهای غربی فراهم سازند
- ۵) در بعد امنیتی در منطقه خلیج فارس به منظور احاله مسئولیت پیشبرد اهداف واشنگتن در غرب آسیا به دست کشورهای این منطقه، حضور رژیم صهیونیستی در پایگاه‌های هوایی برخی کشورهای منطقه در غالب نیروهای ائتلاف است (نسیمی ۱۴۰۴: ۲۸)

سیاست‌های دفاعی - امنیتی

قلمروسازی رژیم صهیونیستی در خلیج فارس موجب دخالت در قلمرو طبیعی و تمدنی ج.ا.ایران خواهد شد که این مزاحمت‌ها آستان هرگونه رویداد منجر به منازعه خواهد شد و این ممکن است باعث تغییر در سیاست‌های دفاعی و راهبردی ایران و مجبور به همکاری‌های نظامی و امنیتی خود را با کشورهای دوست و همسایه، به‌ویژه کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای و سازمان ملل متحد، افزایش دهد تا از تحریک و تشویق به تنش و درگیری بین ایران و کشورهای عربی و غربی جلوگیری کند. (نسیمی ۱۴۰۴: ۲۸)

۱) تغییرات در توازن قدرت: ایران ممکن است سعی کند با افزایش همکاری نظامی با کشورهای دیگر یا توسعه فناوری‌های نظامی پیشرفته، توازن قدرت را با رژیم صهیونیستی و دیگر کشورهای منطقه حفظ کند.

۲) تقارن دو سطح: آنچه احتمال تهدیدات علیه ج.ا.ایران را در مقطع کنونی را افزایش داده است، تقارن دو سطح بین-المللی و منطقه‌ای در افزایش فشار و سد نفوذ منطقه‌ای ج.ا.ایران است.

۳) تمرکز بر فعالیت‌های موشکی: فشارهای آمریکا، اروپا و دولت‌های عربی منطقه به همراه رژیم صهیونیستی و تمرکز که بر فعالیت‌های موشکی و منطقه‌ای ج.ا.ایران قرار داده‌اند.

۴) تغییر ماهیت تهدید در منطقه از رژیم صهیونیستی به ج.ا.ایران و تقلیل اهمیت و از اولویت خارج نمودن قضیه فلسطین

۵) تهدید امنیت ملی و اقدام علیه منافع ملی ج.ا.ایران با ایجاد جبهه‌های یکپارچه متشکل از کشورهای عربی مرتجع و صهیونیسم بین‌الملل.

۶) شکل‌گیری ائتلاف عبری-عربی سبب واگرایی و تشدید اختلافات کشورهای مسلمان با یکدیگر در منطقه خواهد شد و روند توسعه آن‌ها را با چالش مواجه خواهد ساخت.

۷) تبدیل شدن امارات و بحرین به حیات خلوت سرویس جاسوسی موساد و دیگر دستگاه‌های اطلاعاتی این رژیم.

پیمان صلح ابراهیم و اتفاقات بعد عملیات ۷ اکتبر:

یکی از مهم‌ترین چالش‌های بازیگران عربی و رژیم صهیونیستی مشارکت‌کننده در پیمان صلح موسوم به صلح ابراهیم برای مهار ج.ا.ایران در نظم منطقه‌ای با القای تهدید مشترکی به نام ایران برای بازیگران عربی و پیوند زدن آن به اهداف رژیم صهیونیستی در منطقه و موضوع معامله قرن، به دستور کار اصلی این ائتلاف و هرگونه ائتلاف‌های منطقه‌ای تبدیل شده بود در گام اول، عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی است و در گام بعد، ایجاد یک ائتلاف نظامی متشکل از این دو یعنی امارات، بحرین، عربستان و اگر بتوانند کشورهای عربی کوچکی به این محور اضافه می‌کنند و در ائتلاف با این رژیم قرار می‌دهند تا بعد از این عادی‌سازی‌ها و رسمیت یافتن روابط زمینه‌های مورد نیاز برای همکاری‌های نظامی و حضور نظامی رژیم صهیونیستی در منطقه فراهم شود در این توافق رژیم صهیونیستی باید به توسعه روابط با کشورهای حاشیه خلیج فارس در چارچوب توافق‌نامه ابراهیم و با کشورهای شاخ آفریقا از جمله جیبوتی، اریتره، سودان و اتیوپی با حمایت ایالات متحده ادامه دهد؛ زیرا برای جلوگیری از گسترش نفوذ ایران در این کشورها لازم است به همین منظور در زمانی که اسرائیل خود را آماده اعلام رسمی عادی‌سازی روابط با عربستان در ۸ اکتبر ۲۰۲۳ کرده بود؛ اما عملیات ۷ اکتبر و در ادامه روند فرسایشی جنگ که یک سال به طول انجامیده سبب بهره‌بردن ایران از این اتفاق و تضمین برخی منافع منطقه‌ای گشت و ایران با استفاده ماده‌های منشور حقوق بین‌الملل اقدام به پاسخ‌گویی به اسرائیل در قالب وعده‌های صادق ۱ و ۲ و ۳ در دفاع مقدس ۱۲ روزه کرده و از طرفی دیگر با حملات خود هزینه دفاعی سنگین‌تری را به اسرائیل وارد کرده است و از آن مهم‌تر شکست پروژه ایران‌هراسی در منطقه بود کشورهای عربی متوجه این موضوع شدند که تهدید اصلی منطقه غرب آسیا اسرائیل است.

(گنجیان ۱۴۰۳: ۲۵)

بحث

رژیم صهیونیستی باهدف مهار ایران، کاهش نفوذ منطقه‌ای آن و تأمین منافع اقتصادی و امنیتی خود، در حال گسترش روابط با کشورهای عربی و ایجاد اتحادهایی است که منجر به

تغییر معادلات ژئوپلیتیکی در منطقه می‌شود. این روند در سه بُعد اقتصادی، سیاسی و نظامی بررسی شده است.

در بُعد اقتصادی، ورود رژیم صهیونیستی به بازارهای خلیج فارس نه تنها فرصت‌های اقتصادی جدیدی برای این رژیم ایجاد می‌کند، بلکه موجب افزایش فشار اقتصادی بر ایران نیز می‌شود. رقابت در حوزه تجارت خارجی، تغییر مسیرهای تجاری، کاهش نیاز کشورهای منطقه به ظرفیت‌های اقتصادی ایران و تسهیل صدور انرژی از خلیج فارس به نفع رژیم صهیونیستی، از جمله پیامدهای این روند است. به‌ویژه، انتقال فناوری‌های پیشرفته و روش‌های نوین کشاورزی از رژیم صهیونیستی به امارات، بحرین و عربستان، می‌تواند وابستگی این کشورها به توانمندی‌های ایران را کاهش دهد. همچنین، ایجاد مسیرهای جدید انتقال نفت و گاز از طریق بنادر رژیم صهیونیستی، می‌تواند جایگاه ایران در تأمین انرژی منطقه را تضعیف کند.

در بُعد سیاسی، نزدیکی رژیم صهیونیستی به کشورهای خلیج فارس، موجب کاهش نفوذ ایران در منطقه و افزایش رقابت‌های ژئوپلیتیکی خواهد شد. این امر ممکن است تغییراتی در سیاست داخلی ایران نیز ایجاد کند، از جمله افزایش اختلافات میان جریان‌های سیاسی داخلی در مواجهه با این چالش‌ها و تغییر در رویکرد ایران نسبت به تحریم‌ها و فشارهای بین‌المللی. همچنین، روابط نزدیک‌تر رژیم صهیونیستی با کشورهای عربی می‌تواند موقعیت ایران را در مجامع بین‌المللی تضعیف کرده و نقش آن را در معادلات منطقه‌ای تحت تأثیر قرار دهد. در این راستا، امکان شکل‌گیری ائتلاف‌های ضدایرانی در قالب همکاری‌های جدید میان کشورهای عربی و رژیم صهیونیستی، موجب تشدید فشارهای دیپلماتیک بر ایران خواهد شد.

در بُعد نظامی و امنیتی، افزایش حضور رژیم صهیونیستی در خلیج فارس یک تهدید راهبردی برای ایران محسوب می‌شود. این حضور شامل انتقال تسلیحات و فناوری‌های نظامی به کشورهای عربی، استقرار سامانه‌های نظارتی و اطلاعاتی، و تقویت قابلیت‌های دفاعی متحدان منطقه‌ای این رژیم است. همچنین، ایجاد پایگاه‌های جاسوسی و اطلاعاتی، امکان جمع‌آوری اطلاعات حساس از ایران را افزایش داده و ممکن است در آینده برای عملیات خرابه‌کارانه مورد استفاده قرار گیرد. از سوی دیگر، تحریم‌های نظامی و فناوریانه علیه ایران، با همکاری نزدیک‌تر رژیم صهیونیستی و آمریکا، می‌تواند دسترسی ایران به تجهیزات پیشرفته نظامی را

محدودتر کند. این اقدامات، در کنار احتمال تغییر راهبردهای نظامی ایران برای مقابله با این تهدیدات، می‌تواند به تشدید تنش‌ها و ناآرامی‌های منطقه‌ای منجر شود.

همچنین عملیات ۱۷ اکتبر دقیقاً در زمانی که اسرائیل خود را آماده اعلام رسمی عادی‌سازی روابط با عربستان در ۸ اکتبر ۲۰۲۳ کرده بود باعث جلوگیری یا به تأخیر افتادن پیمان صلح ابراهیم و از آن مهم‌تر باعث شکست پروژه ایران حراسی در منطقه شد و کشورهای عربی متوجه این موضوع شدند که تهدید اصلی منطقه غرب آسیا اسرائیل است نه ایران.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد:

الف - نتیجه‌گیری:

قلمروسازی ژئوپلیتیکی رژیم صهیونیستی در خلیج فارس از طریق توسعه مناسبات با اعراب و پیامدهای توسعه عادی‌سازی این مناسبات بر محیط امنیتی ایران با توجه به محیط امنیتی پیچیده خاورمیانه، روند تحولات سیاسی ژئوپلیتیک، تغییر الگوهای دوستی و دشمنی، توسعه و گسترش حضور و نفوذ کشورهای فرامنطقه‌ای چون آمریکا، همگی در راستای تحقق اهداف رژیم صهیونیستی شامل مهار ایران، غلبه بر مشکلات داخلی، استفاده از شکاف‌های موجود میان کشورهای اسلامی، جلوگیری از هژمون شدن ایران در منطقه، افزایش مراودات اقتصادی، فائق آمدن بر مشکلات داخلی و بین‌المللی، ایجاد توازن قوا با سایر قدرت‌های منطقه، بوده است که به‌طور کلی در سه بعد اقتصادی، سیاسی، دفاعی امنیتی می‌باشد:

در بعد اقتصادی در دو حوزه تجارت خارجی و شبکه حمل نقل داخلی از طریق موارد زیر در درازمدت بر امنیت جمهوری اسلامی ایران تاثیرگذار می‌باشد.

✓ باعث ورود فناوری، رژیم صهیونیستی به بسیاری از بازارهای عربی و بازارهای جهانی می‌شود

✓ انتقال روش‌های نوین کشاورزی رژیم صهیونیستی به کشورهای عربی مخصوصاً امارات و بحرین و عربستان خواهد شد

✓ باعث کاهش اعتماد سرمایه‌گذاران و همکاران تجاری درباره امنیت و پایداری در منطقه و باعث محدودیت یا مشکل در حمل‌ونقل کالاها برای ایران می‌شود

✓ همچنین با ارائه فناوری‌های روز نیازمندی کشورهای منطقه به ظرفیت‌های ج.ا.ایران را کاهش می‌دهد

- ✓ باعث تغییر الگوهای تجاری در منطقه و ایجاد تغییر در مسیرها و روابط تجاری بین کشورها شود
- ✓ انتقال انرژی از لحاظ اقتصادی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران تأثیر به سزایی داشته باشد
- ✓ کاهش هزینه‌های خود و خطرات ناشی از دزدی دریایی، برنامه‌های آینده خود را برای گسترش خطوط انتقال نفت بین بندر «ایلات» و «اشکلون» می‌شود
- در بعد سیاسی** تأثیر قلمروسازی ژئوپلیتیکی رژیم صهیونیستی در خلیج فارس بر سیاست داخلی و خارجی ایران شامل موارد زیر می‌باشد
 - ✓ می‌تواند باعث ایجاد اختلاف جریان‌ها و احزاب سیاسی ایران گردد
 - ✓ موجب تغییر در رویکرد دولت و مردم نسبت به روابط با رژیم صهیونیستی گردند
 - ✓ تشدید تنش‌ها و رقابت‌های منطقه‌ای می‌تواند باعث تأثیر در تعاملات ایران با سازمان‌های بین‌المللی گردد
- ✓ به‌عنوان یک تهدید خارجی، نقشی در وحدت داخلی ایران ایفا کند.
- ✓ امکان تغییر سیاست‌های ایران در برابر تحریم‌ها و فشارها از جمله تغییر در روابط دیپلماتیک را فراهم سازد
- ✓ روابط نزدیک رژیم صهیونیستی با کشورهای خلیج فارس می‌تواند باعث کاهش نفوذ ایران شود.
- ✓ تأثیر بر روابط ایران با سایر کشورها و سازمان‌های بین‌المللی و در نهایت تغییر در نقش و موقعیت ایران در منطقه و تشدید تنش‌ها در منطقه باشند
- ✓ توزیع قدرت در منطقه ممکن است تغییر کند و تعادلی بین ایران و رژیم صهیونیستی وجود داشته باشد
- در بعد نظامی** در دو حوزه سیاست‌های دفاعی - امنیتی و قدرت نظامی - صنایع و تأسیسات نظامی می‌تواند تهدیدهایی برای قدرت نظامی ایران داشته باشد:
- ✓ پایان دادن به خصومت اعراب و رژیم صهیونیستی که به‌عنوان حائلی علیه پایگاه رژیم صهیونیستی

- ✓ رژیم صهیونیستی با کمک آمریکا و غرب از طریق اعمال تحریم‌ها می‌تواند دسترسی ایران به فناوری‌های نظامی را محدود نماید،
- ✓ از طریق جاسوسی و جمع‌آوری اطلاعات، جهت آسیب به صنایع نظامی و تجهیزات نظامی ایران؛
- ✓ استقرار سامانه‌های نظارتی و سنجش‌ازدور شامل حس‌گرها، دوربین‌ها، رادارها و سایر تجهیزات؛
- ✓ اقدام نظامی علیه پروژه هسته‌ای ایران را با خرید هواپیماهای سوخت‌رسان یا کشتی‌های جنگی؛
- ✓ ایجاد فضایی ملتهب در خلیج فارس، زمینه را برای تشکیل یک ائتلاف با مشارکت کشورهای عربی؛
- ✓ حضور نظامی رژیم صهیونیستی در خلیج فارس می‌تواند توازن قدرت‌های نظامی را تغییر دهد؛
- ✓ تغییر در راهبردهای نظامی: ممکن است ایران را وادار به تغییر در راهبردهای نظامی خود کند؛
- ✓ تقارن دو سطح: تقارن دو سطح بین‌المللی و منطقه‌ای در افزایش فشار و سد نفوذ منطقه‌ای ج.ا.ا ایران و تمرکز بر فعالیت‌های موشکی و منطقه‌ای ج.ا.ا ایران قرار داده‌اند
- ✓ ترغیب دیگر کشورهای عربی جهت پیوستن به پیمان صلح ابراهیم به بهانه تأمین امنیت و ثبات منطقه
- ✓ شکل‌گیری ائتلاف عبری - عربی سبب واگرایی و تشدید اختلافات کشورهای مسلمان با یکدیگر

در همین راستا جمهوری اسلامی ایران به منظور جلوگیری از قلمروسازی رژیم صهیونیستی در منطقه و بی‌ارزش نمودن قراردادهای عبری و عربی مثل صلح ابراهیم ایران با دیپلماسی قوی و کارآمد با همکاری متحدین منطقه‌ای خود به ویژه در خلیج فارس می‌تواند با اقداماتی نظیر ۷ اکتبر ولی با برنامه‌ریزی بهتر و منسجم‌تر و انجام عملیات‌های حساب‌شده‌تر و نیابتی به‌ویژه با حوثی‌های یمن علیه رژیم صهیونیستی از توافقات احتمالی در آینده در راستای قلمروسازی ژئوپلیتیکی این رژیم که تأثیر زیاد بر امنیت ملی ایران دارد اقدام نماید.

ب- پیشنهادها:

با نگرش به اینکه در این مقاله هدف اصلی، تبیین ابعاد قلمروسازی ژئوپلیتیکی رژیم صهیونیستی در خلیج فارس بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران است؛ پیشنهاد می‌شود مسئولین امنیتی کشور با بهره‌گیری از نتایج این تحقیق، راهبردهای دفاعی مناسب در قبال کشورهای حوزه خلیج فارس بر اساس نتایج کاربردی در راستای سه هدف فوق تدوین نمایند. (۱) توسعه روابط دیپلماتیک فعال با کشورهای حوزه خلیج فارس جهت جلوگیری از قلمروسازی

ژئوپلیتیکی رژیم صهیونیستی؛

(۲) تلاش برای ایجاد ائتلاف منطقه‌ای؛ بخصوص با عربستان با اقداماتی پیشگیرانه و نگاهی تعامل‌گرایانه

(۳) روی آوردن به متحدان منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، برای تحکیم امنیت اقتصادی و سیاسی

(۴) اتخاذ راهبردهای تسلیحاتی و امنیتی متناسب با تهدیدها و محیط امنیتی

(۵) حل رژیم حقوقی خلیج فارس را در چارچوب قوانین بین‌المللی با مشارکت همه کشورهای

(۶) کمک به توسعه بنادر و حمل‌ونقل کشور در منطقه خلیج فارس؛

(۷) تقویت همکاری با کشورهای عضو پیمان شانگهای به ویژه در پیمان نظامی؛

(۸) انجام اقدامات سیاسی و فرهنگی در حوزه کشورهای عربی به منظور جلوگیری از ایران هراسی اسرائیل؛

(۹) افزایش توانایی‌های دفاعی و پاسخ‌گویی به حملات نظامی و سایبری اسرائیل

(۱۰) توسعه و تقویت نیروهای نظامی به منظور انجام حملات پیشگیرانه و پاسخ‌گویی به حملات اسرائیل؛

(۱۱) افزایش همکاری‌های نظامی و امنیتی با کشورهای حوزه خلیج فارس به منظور برقراری امنیت منطقه؛

(۱۲) سازمان کشتیرانی کشور با تعامل وزارتخانه‌ها و سازمان‌های ذی‌ربط در جهت ایجاد اتحادیه یا سازمان کشتیرانی کشورهای ساحلی حوزه خلیج فارس به منظور تسهیل ارتباطات دریایی بین ساحلی تلاش نماید

۱۳) سازمان مناطق آزاد تجاری-صنعتی با همکاری سازمان‌های مسئول، در جهت ایجاد مناطق آزاد هدفمند (تجاری، صنعتی) صدور محصولات کشاورزی در بیشتر استان‌های جنوبی تلاش نماید

۱۴) برقراری ارتباط ریلی بین روسیه، آذربایجان و ایران و از طریق ایران با پاکستان، هند و کشورهای جنوب شرقی آسیا.

منابع

- نسیمی، رسول (۱۴۰۴) مقاله پژوهشی تحلیل نقش عوامل پیشرو در همگرایی کشورهای منطقه ژئوپلیتیکی خلیج فارس، *فصلنامه مطالعات سیاسی جهان/اسلام*، شماره ۲ دوره ۳
- مدنی نجد، محسن، (۱۴۰۳) *اتفاقیه ابراهیم (صلح ابراهیم) و وجوه خفیه آن، سی و هشتمین کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی.*
- گنجیان مقدم، علیرضا (۱۴۰۳) *تقابل سیاست خارجی ایران و آمریکا درقبال رژیم صهیونیستی در غرب آسیا (تاکید بر عملیات ۷ اکتبر و وعده صادق) فصلنامه محیط شناسی راهبردی جمهوری اسلامی ایران*، شماره ۳ دوره ۸
- شفیع، سید محمد، (۱۴۰۳) *تبیین رویکرد نظامی اسرائیل پس از عملیات ۷ اکتبر در مواحه با ایران برپایه نظریه رئالیسم تهاجمی، نشریه آفاق علوم انسانی*، شماره ۹۱ دوره ۸
- علیرضایی، علی، (۱۴۰۳) *تأثیر پیمان صلح ابراهیم بر منازعه و صلح خاورمیانه، اولین کنفرانس بین‌المللی روان‌شناسی و علوم تربیتی*
- اسماعیلی، مصطفی، (۱۴۰۱) *آینده مناسبات سیاسی امنیتی جمهوری اسلامی ایران و عربستان (مطالعه موردی صلح ابراهیم) فصلنامه راهبردی*، شماره ۳، دوره ۳۱
- باویر، حسن (۱۴۰۱) *"ژئوپلیتیک خلیج فارس و نقش آن در امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، پژوهش‌نامه مطالعات راهبردی در علوم/انسانی* شماره ۴۴ دوره ۴
- جودت، بهجت، (۱۳۹۹) *مسئله انرژی و منازعه اعراب و رژیم صهیونیستی، فصلنامه مطالعات منطقه‌ای*،
- حافظ‌نیا، محمدرضا، (۱۳۹۸) *اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک*، مشهد، انتشارات پاپلی.

- رحیمی، رضا، یزدان‌پناه، کیومرث، زارعی، بهادر (۱۳۹۹)، تحلیل عوامل ژئوپلیتیکی شکل‌گیری ائتلاف نظامی عربی در منطقه جنوب غرب آسیا و آثار آن بر امنیت ج.ا.ایران، "فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی"، دوره ۵۰، شماره
- شلحت، آنتوان، (۱۳۹۷) *راهنمای عمومی رژیم صهیونیستی شناسی*، جلد سوم، مترجم محمدجواد اخوان
- عزتی، عزت‌الله، (۱۴۰۳) *ژئوپلیتیک در قرن بیست و یکم*، انتشارات سمت، چاپ نهم
- کاویانی راد، مراد، (۱۳۹۲) *پردازش مفهوم قلمرو از دیدگاه جغرافیای سیاسی*، فصلنامه برنامه‌ریزی و آمایش فضا، سال ۷، شماره ۴.
- لطیفی آلاشتی، علی، (۱۳۹۹) *پیامدهای حضور ناوگان دریایی آمریکا در خلیج فارس و اقیانوس هند و تأثیر آن بر امنیت نظامی جمهوری اسلامی ایران*، دانشگاه فرماندهی و ستاد آجا.
- محمدی اصل، رضا (۱۴۰۰)، تأثیر صنایع نظامی در اقتصاد و توسعه فناوری رژیم صهیونیستی، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی، دوره ۱، شماره ۳،
- ملک محمدی، حمیدرضا، داودی، مهدی، (۱۴۰۰) تأثیر ایران‌هراسی بر سیاست‌های نظامی - امنیتی کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، فصلنامه سیاست دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۴۲، شماره ۲،
- موسوی، حامد، (۱۴۰۰) آمریکا و رژیم صهیونیستی؛ ظهور و سقوط یک همکاری استراتژیک، نشریه نگاه ایرانی روابط خارجی.
- ولیوند زمانی، حسین، شهلائی، ناصر، (۱۳۹۹) *نظریه‌های راهبردی*، انتشارات دافوس آجا،
- Salman, Y. (2025). Light unto the Nations Through Arms Sales: Israel's Arms Diplomacy Goals, Achievements, and Limitations. *Contemporary Review of the Middle East*
- Cordesman, A. H., & Peacock, M. (2022). Military Spending and Arms Sales in the Gulf: How the Arab Gulf States Now Dominate the Changes in the *Military Balance*.
- CSIS. Jones, C., & Guzansky, Y. (2017). Israel's relations with the Gulf states: Toward the emergence of a tacit security regime? *Contemporary Security Policy*



The dimensions of the Geopol.Territorialization of the Zionist Regime in the Persian Gulf on the National Security of the Islamic Republic of Iran¹⁴⁰⁴

Shahriyar Dalili*¹, Rashid Danesh², Abolfazl Chazani³

Abstract

The geopolitical territorialization of the Zionist regime in the Persian Gulf is pursued through developing relations with Arab states in order to contain Iran, overcome internal problems, exploit existing rifts among Islamic countries, increase pressure on Palestinian groups—especially Hamas—accelerate the peace process with Arab countries of the region to gain U.S. approval, prevent Iran from becoming the regional hegemon, expand economic interactions, overcome domestic and international challenges, establish a balance of power with other regional powers, and create new regional threats against Iran. Ultimately, this process will lead to the formation of patterns of relations based on Arab–Zionist regime friendship and Iran–Arab hostility in the region.

This article aims to examine “the impact of the geopolitical territorialization of the Zionist regime in the Persian Gulf on the national security of the Islamic Republic of Iran.” For this purpose, a descriptive method with a qualitative approach has been employed. Accordingly, to achieve the main research objective, past research sources, books, documents, and available records were studied and qualitatively analyzed. The findings indicate that the impact of the Zionist regime’s geopolitical territorialization in the Persian Gulf on Iran’s national security manifests in three dimensions: Economic (foreign trade and transportation networks), Political (domestic politics and international policy), and Military (defense-security objectives and policies, military power, industries, and facilities)

Keywords: Geopolitics, Territorialization, Geopolitical Territory, Security

Citation: Dalili, Shahriyar; Danesh, Rashid; Chazani, Abolfazl (2026). The dimensions of the Geopol.Territorialization of the Zionist Regime in the Persian Gulf on the National Security of the Islamic Republic of Iran¹⁴⁰⁴ . *Quarterly Journal of Army Strategic Research* 5 (16) 27-46.

1.PhD Student in Defense Strategic Sciences, Supreme National Defense University, Tehran, Iran (Corresponding Author)Email: dalilishahriar@gmail.com

2.PhD Graduate and Lecturer at Imam Ali University (PBUH), Tehran, Iran.

3.PhD Student in Defense Strategic Sciences, Supreme National Defense University, Tehran, Iran.